



# بامداد مه آلود کابینه سیاه

## مروری بر نخستین روزهای کابینه سیدضیاءالدین طباطبایی

سیدضیاءالدین طباطبایی و برخی کودتاجیان

ایران و انگلیس بود. پیش از این گفته شد که همه مقامات انگلیسی ذی ربط، بر الغای صوری قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹ تأکید کرده بودند و آن را مقدمه ایجاد تحولات بعدی در ایران، برای نگهداشت منافع منطقه‌ای دولت انگلیس می‌دانستند. سود آبی الغای قرارداد، اطمینان از عدم تهاجم نظامی روسیه بلشویک پس از خروج نظامیان انگلیس از شمال غربی ایران، بلکه بیرون شدن قوای روس از انزلی و پایان دادن به حمایت از کمونیست‌های حاکم بر گیلان بود. قرار بود لغو قرارداد، نه از طرف انگلیس، بلکه از سوی دولت مقتدری که در ایران تأسیس می‌شود، اعلام گردد؛ دولت مقتدری که توان گرفتن هر نفسی که بوی بلشویزم را بدهد، داشته باشد.

روزی پیش از صدور اطلاعیه هفتم اسفند، رئیس این دولت مقتدر، در سفارت انگلیس، محل تعیین قضا و قدر، رودروای نورمن، وزیر مختار آن دولت نشسته و در حال تشریح برنامه‌های خود بود. ناظران خارجی نوشته‌اند که سیدضیاء «هیچ چیز را پنهان نمی‌کند. اتومبیل اش در حالی که در حفاظت افراد سواره نظام قرار دارد، هر روز وارد باغ سفارت [انگلیس] می‌شود.» [۶]

پرست‌ترین عناصر... ایران را در میان خاک و خاکستر، سرنگون می‌دیدند... بالاخره روز واژگون شدن و انتقام فرارسید... هموطنان! لازم است عمارات متزلزل و لرزانی که مفت خواران در آن آشیانه نهاده اند، سرنگون گردد.» سیدضیاء نوشت: «اکنون قضا و قدر مرا تعیین کرده است که مقدرات و سرنوشت ملت خود را در این موقع بحران و خطرناک در دست گرفته، وی را از آن پرتگاهی که حکومت‌های بی‌اراده و نالایق پرتاب کرده بودند، نجات بخشم.» [۴]

این بیانیه خالی از واژه‌ها و نمادهای سیاسی روز برخاسته از جهان نوظهور کمونیستی نبود: «لازم است قیمت زحمت و مشقت کارگران و دهقانان سنجیده گشته و دوره فلاکت و بدبختی آنان خاتمه یابد. برای حصول این مقصود، اولین اقدامی که باید به عمل آید تقسیم خالصجات و اراضی دولتی مابین دهقانان است، همین طور وضع قوانینی که زارع را از املاک اربابی بیشتر بهره‌مند سازد و در معاملات ارباب با دهقان تعدیلی شود و موجبات صحتی و زندگانی آنان را تأمین کند.» [۵]

اما مهم‌ترین بخش در اطلاعیه سیدضیاء لغو قرارداد نظامی مالی

هدایت‌الله بهبودی [۱]  
نویسنده و تاریخ پژوه

برای پی بردن به شعارهای مردم پسندانه کودتاکندگان، می‌توان به بیانیه سیدضیاءالدین طباطبایی نیز در هشتم اسفند ۱۲۹۹ نگاهی گذرا کرد. احمدشاه در چهارم اسفند حکم ریاست وزرایی سیدضیاء را که پیش از این شاید اسم او را شنیده بود، صادر کرد. می‌توان پذیرفت که اگر پادشاه در آن موقعیت اختیار بیشتری داشت، از گذاشتن امضای خود پای این حکم خودداری می‌کرد، اما «من / نورمن، وزیر مختار انگلیس] امروز [سوم اسفند] صبح شاه را دیدم و به او توصیه کردم که با رهبران نهضت رابطه ایجاد کند و به درخواست‌های آنها پاسخ مثبت دهد، زیرا این تنها کاری است که می‌توان کرد.» [۲]

اطلاعیه رئیس الوزراء که به همه نقاط کشور تلگرام شد [۳]، چون تیغی تیز زیر گلوئی حکومنگران گذشته گذاشته بود: «چند صد نفر اشراف و اعیان که زمام مهم مملکت را به ارث در دست گرفته بودند، مانند زالو خون ملت را مکیده، ضجه وی را بلند می‌ساختند و حیات سیاسی و اجتماعی وطن ما را به درجه‌ای فاسد و تباہ نمودند که حتی وطن